



## بررسی سیر رشد و ساختار تشکیلاتی جنبش اخوان المسلمین (بین سالهای 1928 تا 1952 م)

پدیدآورده (ها) : فرهی، عبدالله؛ آئینه وند، صادق

ادیان، مذاهب و عرفان :: مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی :: زمستان 1390 - شماره 26 (ISC)  
از 34 تا 45

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1029826>

دانلود شده توسط : عبدالله فرهی

تاریخ دانلود : 21/12/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

# عَلَمَةُ الْإِخْوَانِ الْمُسْلِمِينَ



## بررسی سیر رشد و ساختار تشکیلاتی جنبش اخوان المسلمین (بین سالهای ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۲م)

عبدالله فرهی

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه تهران و عضو هیئت علمی گروه تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی  
farrahi@ut.ac.ir

دکتر صادق آئینه‌وند

استاد گروه تاریخ دانشگاه تربیت مدرس تهران

### چکیده

به دنبال سقوط خلافت، ایجاد یک ساختار و تشکیلات نوین مذهبی ضروری به نظر می‌رسید، تا بتوان بر پایه آن به احیای نظام خلافت پرداخت. شاید حسن البنا نخستین فردی بود که به اهمیت انجام کار تشکیلاتی پی برد و با استفاده از نبوغ خود در امر مدیریت، به سازماندهی انجمن مشغول شد. فعالیتهای انجمن حتی به مرزهای مصر هم محدود نشد و به سرعت به جذب نیرو در دیگر کشورها مانند سومالی، سوریه، لبنان، سودان، اردن، فلسطین، مراکش، عربستان سعودی، عراق، فرانسه، بحرین و هند پرداخت. انجمن در همان سالهای اولیه تأسیس جنبش، اقدام به تدوین و انتشار اولین قانون اساسی خود نمود و به ایجاد ستادهای مختلفی برای دستیابی به اهداف خود در زمینه‌های گوناگون مبادرت ورزید. آنها علاوه بر این ستادها، به سازماندهی اعضا در گروههای پیشاهنگی و گشت سیار، گردانها و سرانجام سازمان ویژه پرداختند.

کلیدواژه‌ها: اخوان المسلمین، حسن البنا، ساختار تشکیلاتی، مصر.



## مقدمه

سازماندهی و تشکیلات از عوامل بنیادین حرکت اسلامی معاصر به ویژه در دنیای اهل سنت است. مسلمانان سنی همواره خود را در پناه خلافت اسلامی آسوده یافته‌اند و ضرورتی برای قیام بر ضد «دولت اسلامی» نمی‌دیدند و به همین دلیل نهضت‌های اصلاح‌طلبانه در تاریخ اسلام سنی، وابسته به کارهای فردی مصلحان بود و آن‌گونه که باید به سازماندهی و تشکیلات اهمیت نمی‌دادند و ضرورتی برای آن احساس نمی‌کردند. با سقوط نظام خلافت و از بین رفتن مشروعیت حکومتها در اذهان، دیگر مواضع اصلاح‌گرایانه مصلحان، کافی به نظر نمی‌رسید؛ چرا که بنیاد نظام از بین رفته بود و با ظاهرسازی و نقش و نگار نمی‌شد که ایوان حکومت را مرمت کرد و سرپا نگهداشت. شاید در میان اهل سنت، نخستین کسی که بر ضرورت ایجاد تشکیلات توجه کرد و آن را با مسئله تشکیل نظام اسلامی پیوند داد، حسن البنا بود. (۱)

حسن البنا، مؤسس اخوان المسلمین، از همان دوران کودکی استعداد خاصی در گرد آوردن مردم و سازماندهی آنان داشت. فعالیت‌های گوناگون وی در این دوره موجب شده بود که وی دارای یک اندیشه قوی و پرورش یافته در امر سازماندهی افراد و گروهها شود و به اصطلاح دارای یک تفکر سازمانی قوی باشد. لیا به نقل از حسن حنفی می‌نویسد: شاید این گفته درست باشد که عقاید حسن البنا خیلی وجه بارز و برجسته‌ای ندارد: اسلامی که ساده و پاک است ... او نسبت به عرب‌گرایی (عرب‌بیم) و ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) خیلی باز برخورد می‌کرد ... عقاید وی بسیار پاک و خالص بود و پیچیدگی‌های ایدئولوژیکی نداشت، اما ... «قدرت و توانایی وی در مدیریت و سازماندهی» ... چیز دیگری بود. (۲) از جمله فعالیت‌های وی در این دوران (قبل از تأسیس اخوان) از این قرارند: ۱. ریاست جمعیت ادبی برادران در مدرسه. ۲. همکاری با دیگر شاگردان مدرسه در تشکیل جمعیت منع محرمات. ۳. تشکیل جمعیت خیریه حصافیه و بر عهده گرفتن دبیری آن. ۴. عضویت در انجمن مکارم اخلاق اسلامی در قاهره، که در نوع خود بی‌مانند بود. ۵. همکاری در تشکیل گروهی از مردان مذهبی و سرشناس و انتشار روزنامه الفتح. ۶. همکاری در تشکیل «انجمن جوانان مسلمان». ۷. تعلیم و سازماندهی گروهی از دانشجویان دانشگاه الأزهر و دارالعلوم برای سخنرانی در مساجد و کم‌کم حومه شهرها و مراکز تجمع [همانند قهوه‌خانه‌ها] و بعدها در روستاها. (۳) حسن البنا جوان با این سابقه فعالیت در انجام کارهای همراه با مدیریت و سازماندهی، در سال ۱۹۲۸م، در شهر اسماعیلیه، به پاسخ شش نفر از اهالی شهر لیبک گفت و جمعیت اخوان المسلمین (انجمن برادران مسلمان) را بنیان نهاد.

## شعبه‌های جمعیت اخوان المسلمین

### (الف) در مصر (داخلی)

#### ۱) اسماعیلیه

شعبه مرکزی: اسماعیلیه، شعب فرعی: شبراخیت، محمودیه، ابوصویر، پورت سعید، البحر الصغیر، سوئز، قاهره، جیبوتی (شعبه خارجی).

اولین شعبه مرکزی اخوان المسلمین (دارالإخوان) در اسماعیلیه افتتاح شد (۴) و «در طی ۵ سالی که مرکز اخوان در اسماعیلیه بود، تقریباً ۴۰ الی ۵۰ شاخه در سراسر کشور تأسیس شد. به همراه توسعه اخوان المسلمین در هر شاخه یک بنیاد خیریه، یک کارگاه بافندگی یا فرش بافی، یک مسجد، یک تیمارگاه و یا یک مؤسسه آموزشی نیز تأسیس می‌شد». (۵) شعبه شبراخیت در استان البحیره، اولین شعبه اخوان المسلمین بود. این شعبه، در سال ۱۹۳۰م، در شهر شبراخیت افتتاح شد. حامد عسکره یکی از دوستان نزدیک حسن البنا و نماینده اداره موعظه و ارشاد الأزهر در اسماعیلیه بود که به دنبال برخی از شکایتها در مورد وی به این اداره، به شبراخیت فرستاده شد. او با کمک قاسم جوید و دیگر اهالی محل با حضور حسن البنا شعبه اخوان را در آنجا تأسیس نمود و به ساخت مسجد و مدرسه پرداخت. (۶) البته اگر «جمعیت حصافیه» محمودیه را یکی از شعب اخوان تصور کنیم که ریاست آن با احمد السکری بود، شعبه محمودیه را باید اولین شعبه اخوان دانست. جایی که حسن البنا به همراه احمد السکری این جمعیت را در دوران جوانی تأسیس نمود و در دوران تحصیل در قاهره، همیشه آخر هفته به آنجا می‌رفت و در اسماعیلیه هم در اولین تابستان پس از سال تحصیلی «۱۹۲۷-۱۹۲۸م» به آنجا رفت تا به آن رنگ و بوی اخوانی بدهد. اما به هر حال این شعبه مهم که حکم شعبه مادر و ریشه‌ای اخوان را داشت، تا سال ۱۹۳۸م، از دیگر شعبه‌ها حالتی مجزا و منحصر به فرد داشت. (۷) شعبه‌های دیگر اخوان المسلمین طی این دوران عبارتند از: ۱. ابوصویر؛ (۸) ۲. پورت سعید [بورشعید]؛ (۹) ۳. شعبه‌های منطقه البحر الصغیر؛ (۱۰) ۴. شعبه‌های منطقه کانال سوئز؛ (۱۱) ۵. قاهره. (۱۲)

علاوه بر این شعبه‌ها، گهگاه حسن البنا نمایندگانی را نیز برای دعوت و تبلیغ به گوشه و کنار می‌فرستاد. وی، بنا به درخواست کارگران معادن گچ البلاح محمد فرغلی را به نزد آنان فرستاد. وی چنان تأثیری بر کارگران نهاد که شرکت از وی به استناداری شکایت نمود و سرانجام توسط حسن البنا، شخص دیگری به جای وی فرستاده شد. (۱۳)

#### ۲) قاهره

دومین شعبه مرکزی اخوان المسلمین (دارالإخوان) در قاهره بود و





هم‌اکنون نیز همچنان در همین شهر قرار دارد. در حدود ۵۰ سال پس از پایه‌ریزی جنبشی در اسماعیلیه، در اکتبر سال ۱۹۳۲م، البنا به عنوان معلم مدرسه «عباس» سبتیه به قاهره منتقل گردید. (۱۴) با این انتقال، شعبه مرکزی هم به قاهره منتقل شد. محل شعبه مرکزی در قاهره در فاصله حضور البنا چند بار تغییر نمود: ۱. حارة نافع (کوچه نافع). ۲. حارة المعمار (کوچه معمار)؛ از مارس ۱۹۳۴م. ۳. بازگشت به حارة نافع در فوریه ۱۹۳۵م. ۴. السیده زینب در خیابان الناصریه؛ از سپتامبر ۱۹۳۵م. ۵. العتبة الخضراء (ساختمان اوقاف) از مارس ۱۹۳۷م. (۱۵) ۶. الحلمية الجديدة: از اکتبر ۱۹۳۹م. (۱۶)

در طی این دوران که قاهره شعبه مرکزی اخوان المسلمین شمرده می‌شد، شعبه‌هایی نیز در گوشه و کنار کشور پهناور مصر، در این استانها افتتاح شد: ۱. الدقهلیة؛ (۱۷) ۲. پورت فؤاد (بورفؤاد)؛ (۱۸) ۳. الشرقیة؛ (۱۹) ۴. الغربیة؛ (۲۰) ۵. القلیوبیة؛ (۲۱) ۶. البحیرة؛ (۲۲) ۷. الصعید؛ (۲۳) ۸. آسیوط؛ (۲۴) ۹. فنا؛ (۲۵) ۱۰. اسوان؛ (۲۶) ۱۱. اسکندریه. (۲۷)

براساس آمار منتشر شده در هفته‌نامه التعارف در سال ۱۹۴۰م می‌توان به نام شعبه‌های هر منطقه، نایب آن و درجه آن شعبه پی برد. (۲۸) در مقایسه‌ای میان مناطق شاید بتوان گفت منطقه القلیوبیة، از جریان رشدی طبیعی و متناسب میان شعبه‌های خود برخوردار بوده است. در حالی که در منطقه‌ای مثل آسیوط، شکاف میان شعبه‌ها بسیار شدید و جریان رشد درونی شعبه‌ها بسیار غیر معمولی و ناگهانی به نظر می‌رسد، که البته شاید برخی عوامل همانند وجود نایبی همچون محمد حامد ابوالنصر بر این منطقه، در این مسئله بی‌تأثیر نباشد. (۲۹)

### ب) در دیگر کشورها (خارجی)

#### ۱) سومالی

شعبه جیبوتی، اولین شعبه اخوان در خارج از مصر بود. در سال ۱۹۳۲م پس از دیدار یکی از اهالی جیبوتی از شعبه قاهره و بازگشت به کشورش در نامه‌ای به حسن البنا، خواستار تأسیس شعبه‌ای از اخوان المسلمین در جیبوتی شد و به نقل هفته‌نامه دفتر مرکزی رهبری اخوان المسلمین عبدالله افندی حسین علی نور الیمانی را به عنوان رابط میان قاهره و جیبوتی تعیین نمود.

#### ۲) سوریه و لبنان

نخستین نمایندگان اعزامی اخوان المسلمین به فلسطین، سوریه و لبنان، عبدالرحمن الساعاتی و محمد اسعد الحکیم بودند که رهبر تونس، الثعالبی نیز آنها را همراهی می‌نمود. آنها در بیت المقدس، بیروت و دمشق مورد استقبال قرار گرفتند و در طی این دیدارها، افراد زیادی به اخوان المسلمین اعلام وفاداری نمودند. پس از این بازدیدها به دعوت جمعیت مقاصد خیریه در بیروت، محمد الهادی عطیه، وکیل دادگستری، به نمایندگی از اخوان المسلمین

به بیروت رفت. (۳۰)

انجمن اخوان المسلمین سوریه، پس از انجمن اخوان المسلمین مصر مهم‌ترین انجمن محسوب می‌شود. (۳۱) این انجمن آن‌قدر رشد کرد و مورد توجه قرار گرفت که پس از ترور حسن البنا در سال ۱۹۴۹م و همچنین انحلال انجمن در سال ۱۹۵۴م. بیشترین توجه خوانها به اخوان سوریه و شخص مصطفی السباعی که مهم‌ترین کاندیدای رهبری اخوان المسلمین محسوب می‌گردید، جلب شد. (۳۲) اسحق موسی حسینی سه مرحله اساسی را در سیر تحولات اخوان سوریه ذکر می‌کند: ۱. از تاریخ پیدایش در ۱۹۳۷م تا کنفرانس «بیرد» در سال ۱۹۴۶م. ۲. از ۱۹۴۶م تا زمان نگارش قانون اساسی جدید سوریه در ۱۹۵۱م. (۳۳)

از سال ۱۹۵۱م به بعد [شاید بتوان تا سال ۱۹۵۲م، یعنی سال اعلام انحلال اخوان سوریه را پایان مرحله سوم دانست]، (۳۴) ورود اخوان به سوریه از طریق آشنایی برخی از دانشجویان سوری قاهره با عقاید حسن البنا صورت گرفت. یکی از این افراد مصطفی السباعی بود که بعدها به عنوان اولین «مرقب العام» (سرپرست کل) اخوان سوریه از طرف حسن البنا انتخاب شد. (۳۵) البته لیا، اولین ارتباطها را از طریق یک واسطه به نام «محمد الهادی عطیه» در بیروت با انجمن خیریه سوریه می‌داند و عامل پیوستن جنبش اسلامی سوریه به رهبری مصطفی السباعی را کمک اخوان مصر به آنها برمی‌شمارد. (۳۶) شعبه رسمی اخوان در سوریه بنا به گزارش انجمن در سال ۱۹۳۷م، در شهر دمشق قرار داشت و نایب آن عبدالکریم منیر حسینی بود. البته اخوانهای سوریه در ابتدا، به علت خشونت رژیم، مجبور شدند تحت عناوینی همچون انجمنهای «دارالأرقم» در حلب، انجمن «جوانان مسلمان» در دمشق، انجمن «رابطه» در حمص، انجمن «مکارم» در اورشلیم، انجمن اخوان المسلمین در حماة (در سال ۱۹۳۹م) و انجمنهایی در بیروت، طرابلس، دیرالزور و لاذقیه فعالیت کنند. به طور کلی آنها گروهی واحد با نامهای متعدد بودند. آنها یکدیگر را به نام «شباب محمد» (جوانان محمد) می‌شناختند و «دارالأرقم» دفتر مرکزی همه انجمنها بود، تا اینکه پس از کنفرانس پنجم آنها در حلب تصمیم گرفتند که یک ستاد مرکزی عالی مرکب از نمایندگان تمام مراکز در دمشق به ریاست سرپرست کل (مصطفی السباعی) تشکیل گردد و همگی تحت نام «اخوان المسلمین» فعالیت نمایند. (۳۷)

در واقع، رشد اندیشه‌های سلفی و مقابله با سلطه فرانسه موجب گرایش جوانان سوری به تأسیس گروههایی مذهبی همچون «شباب محمد» و «الشبان المسلمون» در اواسط دهه ۱۹۳۰م، در شهرهای مختلف سوریه شد و همین گروهها در سال «۱۹۴۴-۱۹۴۵م» تحت نام واحد اخوان المسلمین به رهبری مصطفی السباعی متحد می‌شوند. (۳۸) مصطفی السباعی با وجود اینکه

تحصیل کرده الأزهر بود، ولی به سمت اخوانها گرایش یافت. به گفته العقیل، وی در سال ۱۹۲۴م، انجمن «اخوان المسلمین» سوریه را بنیان نهاد و در سال ۱۹۴۵م، به عنوان اولین «سرپرست کل» (مراقب العام) اخوان المسلمین سوریه انتخاب شد. (۳۹)

۳) سودان

اخوان المسلمین همچون کمونیستها، جنبشهای اعتقادی و ایدئولوژیک مصری را در نیمه دوم دهه چهل قرن بیستم مورد حمایت و پشتیبانی قرار دادند. این حرکات و جنبشها بر دانشجویان سودانی در حال تحصیل در مصر تأثیر نهادند و هنگامی که به سودان بازگشتند، به تبلیغ این اندیشه‌ها بین دانشجویان پرداختند. (هرچند که حزب کمونیست - جبهه ضد استعماری آن زمان - به سبب توجه ایدئولوژیکی به طبقه کارگر از همان ابتدا، مورد تنبیه و سرکوب قرار گرفت)، اما جنبش اخوان در یک سطح محدود تنها بین دانشجویان فعالیت می‌نمود، تا اینکه در نیمه دهه شصت به طور فعال در براندازی حکومت نظامی اول (۱۹۴۶-۱۹۵۸م) وارد عرصه شد. (۴۰)

«اولین تلاش برای ایجاد شعبه‌ای از اخوان المسلمین در ام‌دُرمان در ژوئن ۱۹۴۶م، بلافاصله پس از آنکه به دختری مسلمان [به] وسیله یک گروه پروتستان غسل تعمید داده شد، صورت پذیرفت». اما به هر حال، این شعبه برای گسترش دین اسلام و واکنش به فعالیتهای میسیونرهای مسیحی تأسیس گردید و ارتباطی سست و گسیخته با اخوان المسلمین قاهره داشت. در اکتبر سال ۱۹۴۶م دفتر مرکزی قاهره دو تن از اعضای برجسته خود را به سودان فرستاد. آنها از شهرهای ام‌درمان و خارطوم بازدید کردند و شعبی نیز در الجزیره گشودند و سپس به غرب سودان رفتند. آنها از مهمانخانه برخی از بزرگان آن منطقه دیدار کردند و توانستند ۲۵ شاخه در مناطق بندر سودان ابتره، الدامیر و شنیدی دایر نمایند. کم‌کم اخوان المسلمین با سخنرانیهای خود در آنجا چنان توجه مردم را به خود جلب نمودند که از اخوان المسلمین سودان به عنوان «آخرین مزرعه حاصل خیز جنبش» یاد شد. (۴۱)

برخی از محققان، ریشه‌های اخوان سودان را در میان دانشجویان سودانی قاهره در دهه ۱۹۴۰م یافته‌اند و جمال‌الدین السنهوری و صادق عبدالله عبدالماجد را از جمله اولین مبلغان و مروجان این جنبش می‌دانند. این افراد در سال ۱۹۴۶م برای جذب نیرو به سودان فرستاده شدند و احتمالاً منظور اسحق موسی حسینی نیز همین دو نفر بوده است. عامل دیگر جذب نیرو، فردی بود به نام الصائم محمد ابراهیم، یک معلم بازنشسته دبیرستان که مؤسس جنبش آزادی خواهی اسلامی (الحركة التحریر الاسلامی) در دانشکده جردن در سال ۱۹۴۷م به قصد مبارزه با کمونیسم بود. (۴۲) در مجموع گفته می‌شود که ریاست اخوان المسلمین سودان

را در دهه ۴۰م، «علی طالب‌الله» به عهده گرفت، و در این زمینه از کمک مستقیم یکی از رهبران اخوان مصر به نام «عبدالحکیم عابدین» بهره برد. (۴۳) اما به طور رسمی، اخوان المسلمین سودان در آگوست ۱۹۵۴م به ریاست الراشد الطاهر تأسیس شد و مدتی بعد این شخص به عنوان «سرپرست کل» (مراقب العام) اخوان المسلمین سودان از طرف اخوان المسلمین مصر، شناخته شد. (۴۴)

۴) اردن

شعبه اخوان المسلمین در اردن به طور رسمی در سال ۱۹۴۵م افتتاح شد و همچنان نیز اخوان المسلمین اردن به شدت فعال می‌باشد و شاید بتوان گفت: پس از اخوان المسلمین مصر و سوریه، در رتبه سوم قرار دارد. (۴۵)

در مورد چگونگی ورود، رشد و گسترش اخوان المسلمین اردن، بهترین کار مطالعاتی که مشاهده شد کتابی است نوشته ماریون بالبی به نام «اخوان المسلمین و پادشاهان اردن». این کتاب به بحث و بررسی در مورد مبانی فکری و اجتماعی اخوان المسلمین اردن از زمان تأسیس، در سال ۱۹۴۵م تا ۱۹۹۳م می‌پردازد. (۴۶) با توجه به اینکه ما در اینجا تا اوایل دهه ۵۰ میلادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم، به تقسیم‌بندی ارائه شده توسط این نویسنده که برای سالهای ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۷ ارائه داده است، رجوع می‌کنیم: در طی ۱۹۴۶ تا ۱۹۴۸م، شخصیتی بازرگان به نام حاج عبداللطیف ابوقره، پس از آشنایی با اخوان المسلمین مصر، در نامه‌ای به حسن البنا خواستار تأسیس شعبه‌ای از انجمن در امان (پایتخت اردن) شد. (۴۷)

حسن البنا نیز در واکنش به این درخواست، دو نماینده به نامهای سعید رمضان و عبدالحکیم عابدین را نزد وی فرستاد. این دو نفر نقش قابل توجهی در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به عنوان سفرای اخوانی مصر در کشورهای اردن، سوریه و فلسطین بازی کردند. (۴۸) وی با کمک این مبلغان، اولین شعبه اخوان المسلمین اردن را در سال ۱۹۴۵م با هدف اولیه حمایت از «جهاد» فلسطین در شهر امان افتتاح نمود. (۴۹) البته برخی هم محل تأسیس اولین شعبه را شهر «سلط» ذکر کرده‌اند. (۵۰) اخوان المسلمین اردن در انجام فعالیتهای خود، هیچ وقت به دنبال پرداختن به مداخلات سیاسی و دستیابی به حکومت اسلامی نبوده است. این امر دو علت داشت: یکی سرشت غیر سیاسی جامعه اردن، و دیگری وفاداری ابوقره به رژیم؛ هرچند که با سیاستهای ملک عبدالله در مورد فلسطین مخالفت نمود. (۵۱) دو امر به گسترش سریع اخوان المسلمین اردن کمک نمود؛ یکی همین مسئله فلسطین بود؛ چرا که تعداد زیادی فلسطینی رانده شده در اردن که به اخوان المسلمین آن کشور برای آزادی فلسطین دل بسته بودند، به عضویت اخوان المسلمین اردن در آمدند. دیگر





اینکه، فعالیتهای اسلامی احزابی همچون «حزب التحریر» اردن در ارتقای آگاهیهای سیاسی و مذهبی اردن و در نتیجه جذب آنان، به اخوان مؤثر بود. (۵۲)

#### ۵) فلسطین

حسن البنا بلافاصله پس از تأسیس نمودن انجمن در اسماعیلیه، تلگرافهایی برای تعدادی از رهبران اسلامی، از جمله مفتی اعظم بیت المقدس، امین حسینی فرستاد و آنها را از جنبش جدید خود، آگاه نمود. اما به هر حال، تا سال ۱۹۳۵م که انجمن شروع به برقراری ارتباط با خارج از کشور نمود، ارتباط چندانی صورت نگرفت. انجمن در خلال قیام فلسطینیان به طرق مختلف به دنبال گسترش شبکههای ارتباطی خود بود. برای مثال، در سال ۱۹۳۷م، یک کنفرانس اسلامی در مورد فلسطین تشکیل شد و در اکتبر ۱۹۳۸م در طی کنفرانس بین المجالس در مورد فلسطین در قاهره افتخار پذیرایی از نمایندگان کشورهای عربی را در مقر خود، در دست گرفتند. شور و شوق انجمن در مبارزه و فعالیت به طرفداری از فلسطین موجب شد که آنها از حمایت تعدادی از دانشجویان فلسطینی الأزهر نیز برخوردار شوند. تمام این تلاشها به انتشار عقاید انجمن در فلسطین کمک نمود و راه را برای تأسیس شعبههای اخوان المسلمین در آنجا هموار ساخت. (۵۳) در بین کادر رهبری اخوان، ظاهراً عبدالرحمن البنا، برادر حسن البنا، علاقه ویژه‌ای به مسئله فلسطین داشته و کاملاً از اهمیت این مسئله آگاه بوده است. وی، به نمایندگی از طرف اخوان المسلمین در سال ۱۹۳۵م راهی فلسطین گردید، تا با مفتی امین حسینی و دیگر رهبران فلسطینی مذاکراتی انجام دهد. (۵۴) براساس گزارش آماری هفته‌نامه انجمن در سال ۱۹۳۷م، شعبه اخوان در کشور فلسطین در شهر بیروت قرار داشت و نایب آن انیس الشیخ بود. (۵۵) بنا به ادعای هیرو نیز، حسن البنا در خلال دیدارهایش از فلسطین بین سالهای ۱۹۴۲م و ۱۹۴۵م در بسیاری از شهرهای فلسطین شعبه‌هایی ایجاد کرد. (۵۶)

سرانجام، برای افتتاح شعبه بیت المقدس در سال ۱۹۴۶م، اخوان المسلمین مصر، عبدالمعز عبدالستار را به نمایندگی به آنجا فرستاد. در اولین نشست آن، بیش از ۲۰۰۰ نفر شرکت کردند. سپس، برای این شعبه باشگاهی ویژه و یک کتابخانه هم افتتاح گردید. بعدها یک ساختمان نیز برای گردهماییها به دست آورد. در سال ۱۹۴۸م که جنگ فلسطین آغاز شد، این شعبه به ستاد جهاد تبدیل شد. اما با اشغال بیت المقدس (اورشلیم) بسته شد. با آرام شدن اوضاع، این شعبه فعالیتهای خود را به طور محدود، از سر گرفت. در سال ۱۹۴۶م شعبه‌های دیگری در یافا، طول کرم، اللد و حيفا نیز تشکیل گردید. به زودی در ۱۸ اکتبر همین سال، کنگره‌ای عمومی با حضور نمایندگانی از لبنان، اردن و فلسطین در حيفا تشکیل گردید و اوضاع سیاسی فلسطین مورد بررسی

قرار گرفت. (۵۷)

#### ۶) مراکش

پس از افتتاح چند شعبه در مراکش، «دفتری مرکزی در شهر قنوان تأسیس شد و شعبی در شهرهای متعدد از جمله القصر الکبیر دایر گردید. این دفتر تابع دستورات دفتر مرکزی اخوان المسلمین قاهره بود و اجرای آنها را در شعب دیگر مراکش به عهده گرفت.» (۵۸)

#### ۷) عربستان سعودی

با وجود اینکه بین اخوان المسلمین و جنبش وهابیه در بعضی از زمینهای سلفی روابط خوبی وجود داشت، و حسن البنا و پدرش ارتباطهای خوب و مؤثری را با بزرگان حجاز برقرار کردند و از ملک عبدالعزیز السعود، پادشاه عربستان به عنوان یکی از امیدهای جهان اسلام جهت احیای مجدد عظمت آن و ایجاد وحدت دوباره در جهان اسلام یاد می‌کردند، ولی به احتمال قوی آنها در عربستان سعودی شعبه‌ای دایر نکردند. احتمالاً دلیل این موضوع آن است که حکومت پادشاهی عربستان، اجازه تأسیس هیچ انجمنی را نمی‌داد. شروع انتقادات از پادشاهی عربستان و خوشگذرانیهای آن در روزنامه‌های انجمن نیز بر تیرگی این روابط افزود. (۵۹) البته «در اکتبر سال ۱۹۴۶م هیئتی به سرپرستی شخص البنا برای انجام مراسم حج و همچنین گسترش جنبش در آنجا، به حجاز رفت. در شهر مکه دفتر مرکزی تأسیس شد و اعضای اخوان المسلمین از شعب فلسطین، سوریه، مراکش و سودان در آنجا تجمع کردند. سخنرانهای متعددی نیز به زبانهای عربی و انگلیسی درباره اسلام و ملل مسلمان در آنجا ایراد گردید.» (۶۰) اما به هر حال این تلاش با وجود نتایج خوب تبلیغاتی در سطح جهان اسلام، در کشور عربستان بی‌نتیجه ماند.

#### ۸) عراق

در کشور عراق، اخوان المسلمین به علت مخالفت حکومت و وجود فرقه‌گرایی قوی (شیعه - سنی) امکان رشد و گسترش چندانی نیافت. با وجود این، گزارش شده است که انجمن در بین وکلا، دانشجویان دانشگاهها و دیگران به ویژه در ناحیه موصل طرفدارانی داشته است و حتی یک وکیل در سال ۱۹۴۷م درخواست تأسیس یک شعبه را به حکومت داد که رد شد. به نظر می‌رسد انجمن «الأخوة الإسلامية» (برادری اسلامی) به رهبری امجد الزهاوی و محمد محمود الصواف، انجمنی اخوانی بود. (۶۱) محمد محمود الصواف (۱۳۳۴-۱۴۱۳ق) در دانشگاه الأزهر به تحصیل پرداخت و ۱۰ سال درس خود را در ۵ سال تمام نمود و به درجه «العالمیه» (اجتهاد) دست یافت و در ظرف یک سال به جای دو سال به «التخصص» رسید. وی در این دوران با حسن البنا دیدار نمود و در عراق به عنوان «سرپرست

کل» (مراقب عام) اخوان المسلمین عراق منصوب شد. (۶۲)  
کویت (۹)

ظاهراً در سال ۱۹۵۲م شخصی به نام «عبدالعزیز العلی المطوع»  
به عنوان سرپرست کل (مراقب العام) اخوان المسلمین کویت  
شناخته می‌شده است. (۶۳)  
۱۰ فرانسه

اخوان المسلمین، بیشتر از طریق دانشجویان مسلمان در حال  
تحصیل در فرانسه، توجه مسلمانان آنجا را جلب نمود. یکی  
از این افراد مالک بنابی (۱۹۰۵-۱۹۷۳م) بود. وی مهندس برق  
بود و توانست توجه بسیاری از دانشجویان دانشگاه آلبیرز را به  
سمت خود جلب نماید. این شخص تا دهه ۱۹۵۰م جزء اعضای  
وابسته به جمعیت اخوان المسلمین بود و در سال ۱۹۵۴م کتابی  
با نام «Vocation de L' Islam» در ستایش حسن البنا  
نوشت. او در این زمان، حسن البنا را به عنوان شخصیت متفکری  
می‌دانست که اندیشه‌هایش قادر بودند جهان معاصر را از طریق  
اسلام دگرگون سازند. (۶۴) اخوان المسلمین در هفته‌نامه خود  
به تاریخ ۱۱ یونیو ۱۹۳۷م به عنوان آخرین و بیستمین منطقه  
(الخارج)، از تنها شعبه‌ای که نام می‌برد، شعبه پاریس در کشور  
فرانسه می‌باشد که نایب آن، استاد فهمی احمد نام داشت. (۶۵)

۱۱ بحرین

شعبه اخوان در کشور بحرین در شهر بحرین قرار داشت و بنا به  
گزارش هفته‌نامه انجمن در سال ۱۹۳۷م نام نایب آن محمد بن  
ابراهیم الخلیفه بوده است.

۱۲ هند

بنا به گزارش سال ۱۹۳۷م جمعیت، شعبه اخوان در کشور هند،  
در شهر حیدرآباد تأسیس شد و نایب آن ابوالوفاء افغانی، استاد  
مدرسه نظامیه بود.

۱۳ مغرب دور (المغربی الأقصى)

انجمن در سال ۱۹۳۷م در گزارش خود از شعبه‌های انجمن، از  
دو شعبه در این کشور نام می‌برد: ۱. فاس (نایب آن: محمد بن  
علال الفاسی) ۲. طنجه (نایب آن: احمد بن الصدیق).

## بررسی ساختار تشکیلاتی اخوان المسلمین (۶۶) ۱) اسماعیلیه

اولین قوانین مربوط به نحوه اداره امور و سازمان تشکیلاتی  
جامعه اخوان، طبق گفته بنا، حدود سالهای ۱۹۳۰-۱۹۳۱م  
تدوین یافت. (۶۷) در سال ۱۹۳۰م اولین قانون اساسی اخوان  
المسلمین منتشر شد و در سومین مجمع عمومی انجمن به تاریخ  
۲۴ سپتامبر ۱۹۳۰م مورد تصویب قرار گرفت. این قانون در ۹  
یاب و یک خاتمه، در ۴۲ بند تبویب و تدوین یافت. در این  
قانون اعضا در سه سطح تقسیم‌بندی شده‌اند: ۱. همراه [منتسب]

۲. فعال [عامل] ۳. کمکی [مساعد]. حداقل سن برای عضو همراه  
۱۵ سال می‌باشد و ۳ نفر از اعضا بایستی به پاک‌وی گواهی  
دهند. «مجمع عمومی» (الجمعیة العمومیة) نشست عمومی با  
حضور تمامی اعضای همراه و فعال بوده است که به طور سالانه،  
در روز سوم جشن عید فطر تشکیل می‌شده و با حضور نصف  
اعضا رسمیت می‌یافته است. رئیس این نشستها نیز همان رئیس  
«مجلس الإدارة» بوده است. «مجلس الإدارة» دارای ۱۲ عضو  
بوده است که با رأی مخفی اعضای مجمع عمومی انجمن برای  
مدت ۳ سال انتخاب می‌شده‌اند. این مجلس، با حضور ۷ عضو  
رسمیت می‌یافته است و برای تصویب قانون حداقل رأی نصف  
اعضا لازم بوده و اگر آراء مساوی می‌شد، رأی گروهی که رئیس  
جلسه با آنها هم رأی بود، مورد پذیرش قرار می‌گرفت. «مجلس  
الإدارة» متناسب با اهداف جمعیت، دست به تشکیل ستادهایی  
از میان اعضا می‌زد. ستادهایی همانند: مسجد و مدرسه، موعظه  
و سخنرانی، حسابداری، جشنها و مسافرتها، کتابخانه، چاپ و  
نشر، پشتیبانی، و پژوهشی. هزینه‌های مالی جمعیت نیز از طریق  
حق اشتراکهای اعضای کمکی همراه و فعال و هدایا و اعانه‌ها  
تأمین می‌شد. (۶۸) در سال ۱۹۳۲م این قانون مورد بازنگری و  
اصلاح قرار گرفت. در این قانون برای نخستین بار لقب «رهبر  
کل» (المرشد العام) برای رئیس جمعیت، حسن البنا، به کار برده  
شد و برای وی حق تعیین یک «نایب» (قائم مقام) قائل شدند که  
دستیار و کمک کار رئیس در انجام وظایفش باشد. این قانون،  
ظاهراً در دست نیست ولی لایحه اصلاحی قانون ۱۹۳۰م موجود  
می‌باشد. براساس این لایحه تعیین نمایندگان حوزه‌های مختلف  
جمعیت، از وظایف و اختیارات «رهبر کل» دانسته شده است، که  
البته پس از تعیین، بایستی حداقل از نصف آرای اعضای همراه  
و فعال آن حوزه برخوردار شود و در غیر این صورت بایستی  
«رهبر کل» فرد دیگری را معرفی نماید. اعضای اخوان در این  
لایحه در سه سطح رتبه‌بندی شده‌اند: ۱. برادری (الأخوة)  
۲. سردستگی (التقابة) ۳. نمایندگی (النیابة) که هر کدام از این سه  
سطح به سه درجه تقسیم‌بندی می‌شدند: ۱. عادی (الرتبة  
المجردة) ۲. فعال (الرتبة مع وصف عامل) ۳. بسیار فعال (الرتبة  
مع وصف مجاهد). پس از این درجات نه‌گانه رتبه «کمال» قرار  
داشت که بالاترین درجه محسوب می‌شد. (۶۹)

۲) قاهره

از سال ۱۹۳۳م انجمن شروع به توسعه و گسترش سازمان، به یک  
سازمان قوی‌تر با سلسله مراتب بیشتر نمود. پس از انتقال شعبه  
مرکزی به قاهره در پاییز سال ۱۹۳۲م، کنفرانسهای سالانه‌ای با  
حضور نمایندگان شعبه‌ها تشکیل شد، که اولین کنفرانس در سال  
۱۹۳۳م در شهر اسماعیلیه، (۷۰) منجر به تشکیل «دفتر مرکزی  
رهبری» (مکتب الإرشاد العام، MIA) شد. (۷۱)





## گردانها

شد. (۷۷)

مدتی پس از شکل‌گیری گروه‌های پیشاهنگی و گشتهای سیار، (۷۲) گردانها (الکتاب) شکل گرفتند. برخی عضویت در گردانها را مقدمه‌ای برای شکل‌گیری «سازمان مخفی» می‌دانند، برخی «گشتهای سیار» و «گردانها» را با یکدیگر یکی می‌دانند، با این تفاوت که اعضا نخست در «گردانها» آموزش می‌دیدند و سپس به عضویت «گشتهای سیار» درمی‌آمدند. تمرینهای هفتگی گردانها در سه گروه مجزا صورت می‌گرفت: ۱. کارگران ۲. دانشجویان ۳. کارکنان و تاجران. (۷۳)

سازمان گردانها در پاییز سال ۱۹۳۷م به دستور حسن البنا شکل گرفت. در ابتدا اغلب اعضای گردانها، دانشجویان بودند. حسن البنا براساس برنامه‌ای که برای گردانها در رساله «المنهج» منتشر شده به سال ۱۳۵۷ق [ترسیم نمود، قصد داشت در مدت ۴ سال تعداد گردانها را در مصر به ۳۰۰ گردان با ۱۲۰۰۰ عضو برساند. وی در رساله مربوط به پنجمین کنفرانس اخوانها، «المؤتمر الخامس» در سال ۱۹۳۹م به اخوانها وعده داد که در صورت تلاش و مجاهدت حتی می‌توان این مدت را کوتاه‌تر نیز نمود. (۷۴) حسن البنا، در رساله «المنهج» تعداد اعضای هر گردان را بین ۱۰ تا ۴۰ عضو و سن اعضا را بین ۱۸ تا ۴۰ سال تعیین نمود. (۷۵) گردانها، در اصل، وسیله‌ای برای اجرایی شدن «مرحله شکل‌گیری» بودند. یک گردان متشکل از ۱۰ تا ۴۰ عضو، بین سنین ۱۸ تا ۴۰ سال بود. تنها اشخاصی می‌توانستند عضو شوند که از لحاظ برخی پیش‌زمینه‌ها، واجد شرایط لازم باشند، و یکرنگی و صدق و صفای داوطلبان بایستی به وسیله دیگر اعضای گردان مورد تأیید و تصدیق قرار می‌گرفت. رئیس هر گردان یک فرمانده (نقیب) بود که از طریق رأی‌گیری مخفی با حضور یک نماینده دفتر مرکزی رهبری انتخاب می‌شد. گردان معمولاً به «دسته»‌هایی (عشره) تقسیم می‌شد، که ریاست هر کدام با یک «نماینده» (مندوب) بود و هر کدام شامل ۱۰ عضو می‌شد. (۷۶)

## اردوگاههای نظامی

حسن البنا، پس از به کارگیری گردانها به عنوان یک وسیله تربیتی برای اعضا، به فکر برپایی اردوگاههای نظامی از طریق گشتهای سیار (الجواله) افتاد. اولین اردوگاه نظامی پس از سال تحصیلی ۱۹۳۷ - ۱۹۳۸م در تابستان در «الدخيله» به ریاست خود البنا برپا شد. حسن البنا برای سالهای بعد با الگو معرفی کردن این اردوگاه نظامی، به اخوانها دستور برپایی اردوگاههایی را در دیگر نقاط مصر داد. در سال ۱۹۳۹م اردوگاه مرکزی، حلوان معرفی شد و اردوگاههایی در سوئز، پورت سعید، الإسماعیلیه، المطریه، آسیوط، المنیا، بنی سویف، رأس البر و الاسکندریه برپا

## سازمان ویژه

به اعتقاد بعضی «دستگاه ویژه» (الجهاز الخاص) یا «سازمان ویژه» (النظام الخاص) (به تعبیر اخوانها) یا «دستگاه سری» (الجهاز السری) یا «سازمان مخفی» (النظام السری) (به بیان دیگران)، قبل از جنگ جهانی دوم شکل گرفت، که البته پایه و اساس درستی ندارد و درست‌تر به نظر می‌رسد که سال ظهور این سازمان را ۱۹۴۲م بدانیم، از جمله دلایل این ادعا تغییر یافتن سازمان «گردانها» (کتاب) به سازمان خانوادگی تعاونی (نظام الأسر التعاونی) می‌باشد. نظامی که حالت سری‌تر و سازمانی دقیق‌تری نسبت به سازمان گردانها داشت، «خمیس حمیده» رئیس دستگاه ویژه در دوران ریاست الهضیبی، نیز این تاریخ را تأیید می‌کند. (۷۸) این دستگاه دارای سه بخش بود: ۱. شهری ۲. ارتشی ۳. پلیسی. هر کدام از این بخشها رئیسی مستقیماً زیر نظر «رئیس کل» یعنی همان «رهبر کل» [حسن البنا] داشت. هر یک از این دستگاهها نیز از چند شعبه تشکیل می‌شدند که هر شعبه ۵ عضو داشت. این دستگاهها حالت مستقلی داشتند و با انحلال جمعیت، منحل نمی‌شدند. (۷۹) با وجود ابهامات بسیاری که پیرامون تأسیس سازمان ویژه وجود دارد، اما این مطلب بدیهی به نظر می‌رسد که این سازمان، در سال ۱۹۴۰م شکل گرفت و شامل تعدادی از شخصیتهای برجسته اخوانی بود. (۸۰)

## ساختار داخلی شعبه‌ها

حسن البنا جهت سازماندهی به اوضاع شعبه‌ها، حوزه‌ها و منطقه‌ها، در سال ۱۹۴۰م کشور مصر را به ۱۷ منطقه تقسیم‌بندی نمود (۸۱) و دو منطقه سودان و جهان خارج را نیز به آنها افزود. (۸۲) تعداد این مناطق براساس آمار منتشر شده توسط مرکز کل (المركز العام) در سال ۱۹۴۴م به ۲۹ منطقه افزایش یافت و تغییراتی در این زمینه صورت گرفت. (۸۳) در این آمار، با توجه به ازدیاد نام شعبه‌ها (بالغ بر هزار شعبه)، نام آنها از این آمار حذف گردیده است. (۸۴) اخوان براساس قانون منتشر شده در سال ۱۹۳۵م رابطه میان منطقه، حوزه و شعبه را نیز تبیین نمود، بر این اساس رابطه میان شعبه‌ها و حوزه‌ها «دوائر» از طریق مجلس شورای مرکزی و رابطه میان شعبه‌ها و مناطق از طریق گردهماییهای منطقه‌ای صورت می‌گرفت و هیچ کدام از آنها بر دیگری ریاست نداشت. (۸۵) دفتر مرکزی رهبری براساس سه ملاک مختلف اقدام به تقسیم‌بندی شعبه‌ها نمود: ۱. جایگاه و موقعیت جغرافیایی ۲. سازمان و ساختار تشکیلاتی ۳. کار و فعالیت.



بر اساس جایگاه و موقعیت جغرافیایی، شعبه‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند: ۱. شعبه‌های اصلی: این شعبه‌ها در مراکز استانها قرار داشتند. ۲. شعبه‌های مرکزی: این شعبه‌ها در مراکز بخشهای منطقه یا بنادر بزرگ قرار داشتند و در کارهای خود به شعبه‌های اصلی مراجعه می‌کردند و جز در موارد ضروری به دفتر مرکزی مراجعه نمی‌کردند. ۳. شعبه‌های فرعی: این شعبه‌ها در روستاها و بندرهای کوچک قرار داشتند و در کارهای خود به شعبه‌های مرکزی مراجعه می‌کردند و تنها در موارد واقعاً ضروری با دفتر مرکزی تماس برقرار می‌کردند.

بر اساس میزان قدرت و تواناییهای تشکیلاتی، شعبه‌ها دارای سه درجه می‌شدند: درجه اول، درجه دوم و درجه سوم. شعبه‌ها بر اساس میزان تلاش و فعالیت خود در میدان عمل و امر گسترش جمعیت، نیز به سه دسته تقسیم‌بندی شدند: ۱. شعبه‌های فعال (العامله): شعبه‌هایی که توانسته بودند تا پنج شعبه جدید در مجاورت خود ایجاد کنند. ۲. شعبه‌های بسیار فعال (المجاهدة): شعبه‌هایی که توانسته بودند ۱۰ شعبه جدید ایجاد کنند. ۳. شعبه‌های ممتاز (المختارة): شعبه‌هایی که توانسته بودند ۲۰ شعبه جدید در مجاورت خود ایجاد کنند. (۸۶)

## بخشها

اخوان المسلمین دارای بخشهای مختلفی می‌باشد که متناسب با علائق و شرایط مختلف اعضا به عضوگیری می‌پردازند. این بخشها وابسته به دفتر مرکزی رهبری می‌باشند. در اینجا ما با توجه به قانون اساسی جمعیت، ماده ۵۷، به بیان نام این بخشها (الأقسام) می‌پردازیم: ۱. نشر آموزش و تبلیغ مسائل اسلامی. ۲. کارگران. ۳. کشاورزی. ۴. خانواده. ۵. دانشجویان. ۶. روابط عمومی با جهان اسلام. ۷. تربیت بدنی. ۸. روزنامه‌نگاری و ترجمه. ۹. حرفه و فن. ۱۰. خواهران مسلمان. (۸۷)

هر کدام از این بخشها نیاز به توضیح فراوان دارد که از عهده این تحقیق خارج است. بهترین اثری که برای آشنایی با آنها می‌توان مراجعه نمود، کتاب اوراق من تاریخ الإخوان المسلمین در ۶ مجلد، نوشته جمعه امین عبدالعزیز می‌باشد. این کتاب به طور دقیق و مفصل با توجه به اسناد و نشریات انجمن به نحوی تاریخی به بیان سیر تکوین و گسترش آنها پرداخته است.

اما از جمله نکات مبهمی که در ساختار تشکیلاتی جمعیت مورد بی‌توجهی قرار گرفته است، حقوق اعضای انجمن در برابر رهبری جنبش است. مرادی به نقل از عبدالله فهد النفیسی، می‌نویسد: «در تشکیلات اخوان المسلمین، بر وظایف اعضا بیش از حقوق عضویت آنان تأکید می‌شد، به طوری که عضو هیچ‌گاه حقوق خود را در برابر رهبری جنبش، مطالبه نمی‌کرد و اصلاً احساس نمی‌کرد که حقوقی هم دارد. در مقابل در اعمال مجازات

بر عضو متخلف یا سهل‌انگار هیچ تسامحی صورت نمی‌گرفت. با توجه به این حقارتی که به لحاظ سطح آگاهی حقوقی در بین اعضای جماعت وجود داشت، فضاها و شرایط و روابط ناسالمی در شوراهای رهبری پدید آمد. سببش این بود که آنها خود را از هرگونه پاسخ‌گویی و نظارتی مصون می‌دیدند. از دیگر سو، عملیات تصفیه عناصر ناراضی یا تعلیق عضویت و عزل تدریجیشان به امری عادی و روزمره تبدیل شد که سلیقه فلان عضو شورای رهبری بدان حکم می‌کرد.» (۸۸)

## نتیجه‌گیری

رشد و گسترش جمعیت اخوان المسلمین، بیش از هر چیز مدیون ساختار تشکیلاتی قوی و منسجم آن می‌باشد. این ساختار وسیع مردمی دارای سلسله مراتب معین، اولین و بزرگ‌ترین ساختار منسجم یک گروه اسلامی را پس از فروپاشی عثمانی و انحلال خلافت، در جهان اسلام پدید آورد. این ابتکار حسن‌البناء که توسط شاگردانش پیگیری شد، بزرگ‌ترین کمک را در راه گسترش اخوان المسلمین در جهان نمود. جنبشی که حسن‌البنای جوان به وجود آورد یک جنبش توده‌ای بود و در واقع به خاطر همین توده‌ای بودن نیز رشد و گسترش فراوان یافت، ولی در همین زمان حسن‌البناء که خود یک فرد تحصیل کرده و با آرمانهای والا بود، با وجود اعتقاد به قدرت توده‌ها سعی نمود که شاگردانی برای جمعیت تربیت کند که ایدئولوژی خاص جمعیت را منتشر سازند و در عین حال سعی نمود که تشکیلات و ساختار مشخص و منظمی برای جمعیت ترسیم و تدوین نماید و با گسترش شعبه‌ها، ایجاد یک ساختار درونی خاص برای آنها و درجه‌بندی آنان، به ایجاد گردانها، گروههای پیشاهنگی و سازمان ویژه و بخشهایی متناسب با آنها پردازد.

در پایان لازم به ذکر است که گفته شود اخوان المسلمین، سرآغاز نهضت جدید فکری و سیاسی اسلامی و بزرگ‌ترین و سازمان‌یافته‌ترین جنبش اسلامی طی عصر حاضر در جهان اهل سنت می‌باشد. این جنبش علاوه بر مصر که مهد جنبش بود، توانست در سوریه، سودان، لبنان، فلسطین، سومالی، اردن، مراکش، عراق، فرانسه، بحرین، هند و مغرب در فاصله فقط ۲۰ سال از زمان تأسیس، شعبه‌هایی ایجاد کند و با بسیاری از دیگر کشورهای مسلمان و اروپایی ارتباط برقرار نماید و به ایجاد و گسترش جنبشهای اسلامی در آن کشورها کمک نماید و از نظر فکر و ایدئولوژیکی بر آنها تأثیر گذارد.





۱. حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، صص ۴۰ و ۴۱.
2. *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, p.161.
۳. اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، صص ۲۱-۳۰؛
- The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, p.7.
۴. مذكرات الدعوة و الداعية، ص ۷۴.
۵. گرایشهای سیاسی در جهان عرب، ص ۸۵.
۶. مذكرات الدعوة و الداعية، صص ۷۶ و ۷۸؛ خاطرات زندگی حسن البنا، صص ۱۱۴-۱۱۷؛ اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر؛ اوراق من تاریخ اخوان المسلمین، ج ۲، ص ۸۴.
۷. اوراق من تاریخ اخوان المسلمین، ج ۲، صص ۸۳ و ۸۴.
۸. ابوصویر مکانی نزدیک به اسماعیلیه بود که بیشتر ساکنان آن اهل تجارت و کشاورزی بودند. در این مکان حسن البنا از روش دعوت در قهوه‌خانه‌ها بهره برد و تعجب اهالی را برانگیخت. اما در مجموع این دعوت با موفقیت همراه نبود [حتی برخی همچون لیا در اصل ماجرا تردید کرده‌اند] (همان، ج ۲، صص ۸۴-۸۶؛ مذكرات الدعوة و الداعية، صص ۸۹ و ۹۰).
۹. انجمن در پورت سعید موفق‌تر از ابوصویر بود و احمد افندی المصری که اصالتاً اهل این شهر بود، نقشی اساسی در افتتاح شعبه انجمن در این شهر ایفا نمود.
۱۰. از طریق شعبه پورت سعید منطقه البحر الصغير هم با دعوت اخوان آشنا شد و از طریق محمود عبداللطیف و عمر افندی غنام و ... وارد این منطقه شد و شعبه‌های فراوانی به ترتیب در المنزله، الجمالیه، و بعدها در المطریه، میت خضیر، میت البصراط، میت سلسیل، میت عاصم و الکفر جدید افتتاح شد (مذكرات الدعوة و الداعية، صص ۹۳ و ۹۴؛ اوراق من تاریخ اخوان المسلمین، ج ۲، ص ۸۷؛ خاطرات زندگی حسن البنا، صص ۱۴۲-۱۴۴).
۱۱. انتشار دعوت در این مکان از طریق مسافرت خود حسن البنا به این مکان صورت گرفت و او پس از دیدار با علمای سوئز، کم‌کم زمینه را برای تأسیس شعبه و انتشار دعوت در این منطقه فراهم نمود. علاوه بر سوئز، کم‌کم شعبه‌هایی فرعی در البحر الأحمر، رأس غارب، القصیر، سفاجه و ... نیز تأسیس شد (مذكرات الدعوة و الداعية، صص ۹۴ و ۹۵).
۱۲. شعبه قاهره، بدون شک مهم‌ترین شعبه فرعی اخوان و به شدت مورد توجه حسن البنا بود و از کمکهای مالی فراوانی که از جانب اسماعیلیه به این شعبه شده، می‌توان به اهمیت این نکته پی برد. شعبه قاهره به دنبال پیوستن جمعیت تمدن اسلامی (جمعیه الحضارة الاسلامیه) به اخوان المسلمین شکل گرفت. ریاست این انجمن بر عهده برادر البنا، یعنی عبدالرحمن البنا مشهور به عبدالرحمن الساعاتی (مهندس راه‌آهن) و محمود سعدی الحکیم [یا محمد اسعد الحکیم] بود. آنها جهت ایجاد یک وحدت رویه میان انجمنهای اسلامی، پس از مذاکره، حاضر به پیوستن به اخوان المسلمین شدند (مذكرات الدعوة و الداعية، صص ۹۶؛ خاطرات زندگی حسن البنا، صص ۱۴۷؛ اوراق من تاریخ اخوان المسلمین، ج ۱، صص ۸۸ و ۸۹؛ اخوان المسلمون و الجماعات الاسلامیه فی الحیاة السیاسیه المصریه، ص ۸۵).
۱۳. مذكرات الدعوة و الداعية، صص ۹۸ و ۹۹؛ خاطرات زندگی حسن البنا، صص ۱۴۹-۱۵۳.
۱۴. اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ص ۳۳؛ اخوان المسلمون و الجماعات الاسلامیه فی الحیاة السیاسیه المصریه، ص ۸۵.
۱۵. اوراق من تاریخ اخوان المسلمین، ج ۲، صص ۱۱۵-۱۱۸.
۱۶. همان، ج ۴، ص ۹۳. در شهر قاهره، علاوه بر شعبه مرکزی، در طی این دوره تا نوامبر ۱۹۳۳م چهار شعبه دیگر نیز افتتاح شد: شبرا، غمره، باب‌الشعریه و روض‌الفرج (همان، ج ۲، ص ۱۶۴). تا فوریه ۱۹۳۵م تعداد آنها به ۹ عدد افزایش یافت و شعبه‌های باب‌البحر، زین‌العابدین، البراد، قایتبای و القبه در طی این مدت اضافه شدند (همان، ج ۲، ص ۲۲۰).
۱۷. در طی دوبار بازدید رهبر کل، حسن البنا، در سال ۱۹۳۳م از این استان به ویژه منطقه البحر الصغير شعبه‌های جدیدی افتتاح شد: ۱. جدیدة المنزلة ۲. میت خضیر ۳. البصراط ۴. الکفر الجدید ۵. برمبال‌القديمة ۶. العجيرة ۷. النسايمه و مدتی بعد در: ۸. میت النحال ۹. السنبلالوین. شعبه‌های العصاره، الفروسات، الجوابر و الکردي نیز تا سال ۱۹۳۵م به این شعبه‌ها افزوده شدند (همان، ج ۲، ص ۲۲۱).
۱۸. در نتیجه تلاشهای شعبه پورت سعید، اخوانها توانستند در شهر پورت فؤاد (پورت فؤاد) نیز شعبه‌ای تأسیس کنند (همان، ج ۲، ص ۱۶۶).
۱۹. پس از افتتاح شعبه ابوصویر، به دنبال سفرهای البنا به این استان در اکتبر ۱۹۳۳م سه شعبه دیگر نیز افتتاح شد: ۱. أبوحماد ۲. الزقازیق ۳. بنی‌قریش (همان، ج ۲، صص ۱۶۶ و ۱۶۷) که تا سال ۱۹۳۵م، شعبه‌های القطاویه، العلویه، سنهوت و منیاالقمح نیز به آنها افزوده شدند. (همان، ج ۲، ص ۲۲۱).
۲۰. در طی جشنی باشگاه طنطا در سال ۱۹۳۴م با حضور رهبر کل افتتاح شد و یک امام و خطیب مسجد به عنوان نایب اخوان

- در طنطا معرفی شد. تقریباً شش ماه بعد نیز، شعبه‌ای در روستای محله دیای افتتاح شد. (همان، ج ۲، صص ۱۶۷ و ۱۶۸).
۲۱. حسن البنا در طی سفر به این استان، با استقبال گرم مردم مواجه شد و علاوه بر شبلیجه که پیش از این افتتاح شده بود، در شبین القناطر، منیه شبین و تل بنی تمیم شعبه‌هایی افتتاح شد. (همان، ج ۲، ص ۱۶۸) شعبه‌های المرج، الخصوص و نوى نیز تا سال ۱۹۳۵م افتتاح شدند (همان، ج ۲، ص ۲۲۱).
۲۲. این استان که کانون نخستین انتشار دعوت بود، دارای شعبه‌هایی در شبر اخیت و المحمودیه بود که در سال ۱۹۳۴م شعبه کفر الدوار نیز به آنها اضافه شد. (همان، ج ۲، ص ۱۶۸). شعبه‌های الوسطا تیه و البسقلون هم تا سال ۱۹۳۵م افتتاح شدند. (همان، ج ۲، ص ۲۲۱).
۲۳. در سال ۱۹۳۴م هفته‌نامه انجمن، خبر از افتتاح شعبه‌هایی در «القبایات» در جیزه و «البلینا» در سوهاج را منتشر نمود (همان، ج ۲، صص ۱۶۹ و ۲۲۱).
۲۴. تا سال ۱۹۳۵م، دارای دو شعبه آسیوط و القوصیه بود (همان، ج ۲، ص ۲۲۱).
۲۵. تنها شعبه اخوان در این استان تا ۱۹۳۵م، در العریسات بود (همان).
۲۶. در شهر اسوان، شعبه اخوان قرار داشت (تا سال ۱۹۳۵م). شعبه ابوتیج در سال ۱۹۳۶م افتتاح شد. در سال ۱۹۳۷م شعبه‌ای در فیوم افتتاح شد. در سال ۱۹۳۷م به دنبال اجتماعی از بزرگان اخوان، شعبه منفلوط به ریاست محمد حامد ابوالنصر افتتاح شد. (همان، ج ۲، صص ۲۱۱، ۴۱۰، ۴۱۳، ۴۱۵ و ۴۱۶).
۲۷. در سال ۱۹۳۷م شعبه القباری هم در اسکندریه افتتاح شد. (همان، ج ۲، ص ۴۱۶).
۲۸. نک: همان، ج ۴، صص ۳۵۹-۳۷۹.
29. See: *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, pp.93-95, 151-153.
۳۰. مذکرات الدعوة و الداعیه، صص ۱۹۳-۱۹۸؛ خاطرات زندگی حسن البنا، صص ۲۸۶-۲۹۰.
۳۱. برای آشنایی بیشتر با اخوان المسلمین سوریه می‌توانید به سایت رسمی اخوان المسلمین سوریه رجوع کنید: <http://www.ikhwanmuslimoon-Syria.org>
۳۲. اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ص ۱۴۰؛ جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب، ص ۱۷۲.
۳۳. أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین، ج ۱، ص ۴۳۹.
۳۴. اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، صص ۱۴۰-۱۴۲.
35. "Muslim Brotherhood in Syria", p.191.
36. See: *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, pp.154&155.
۳۷. اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، صص ۱۳۶ و ۱۳۷.
38. "The Politics of popular religion: Sufis, Solafis, and Muslim Brothers in 20th – Century Hamah", p.50.
۳۹. من اعلام الدعوة و الحركة الاسلامیة المعاصرة، صص ۵۳۹ و ۵۴۰.
۴۰. «الدین ایدیولوجیا»: الدین فی المجتمع العربی، ص ۲۵۳.
۴۱. اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، صص ۱۴۶ و ۱۴۷.
42. "Muslim Brotherhood in Sudan", p.197.
۴۳. «نگاهی به جنبش اسلامی سودان»، ص ۱۲.
44. "Muslim Brotherhood in Sudan", p.197.
۴۵. برای آشنایی بیشتر با اخوان المسلمین اردن در عصر حاضر رجوع کنید به:
- <http://www.ikhwan-jor.org>
46. *The Muslim Brotherhood and the Kings of Jordan*, p.1.
47. Ibid, p.41.
48. Ibid, p.42.
49. Ibid, p.39.
50. "Muslim Brotherhood in Jordan", p.195.
51. Ibid, p.37.
۵۲. «مصاحبه یکی از اعضای اخوان المسلمین اردن»، (مصاحبه با حمزه منصور)، ص ۱۲.
53. *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, pp.154-156.
۵۴. شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر، ص ۱۰۷؛ *The Society of the Muslim Brothers*, p.55
۵۵. أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین، ج ۱، ص ۴۳۹.
56. *Dictionary of the middle east*, p.210.
۵۷. اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.
۵۸. همان، ص ۱۴۸.
۵۹. همان؛ *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, p.140-144.
۶۰. همان.
۶۱. همان، صص ۱۴۸ و ۱۴۹.
۶۲. همان، صص ۲۰۵ و ۲۰۶.
۶۳. نک. من اعلام الدعوة و الحركة الاسلامیة المعاصرة.
64. *Allah in the West: Islamic movements in America and Europe*, p.162.
۶۵. أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین، ج ۲، ص ۴۳۹.
۶۶. با توجه به انتشار کتابی با مشخصات کتابشناختی زیر که توسط نویسنده این مقاله ترجمه شده است، در اینجا صرفاً به





ارائه مطالبی تکمیلی پرداخته می‌شود؛ نک: لیا، برونیار؛ جمعیت اخوان المسلمین مصر، ترجمه عبدالله فرهی، چاپ اول، تهران، پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۸۸ش.

۶۷. *اخوان المسلمین: تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت‌های جنبش اخوان المسلمین در یک قرن اخیر*، ص ۲۰۱.

۶۸. *أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین*، ج ۲، صص ۹۵-۱۰۲.

۶۹. همان، صص ۱۰۳-۱۰۶.

۷۰. کنفرانس‌های عمومی اخوان: اسماعیلیه (۱۳۵۰ق)، پورت سعید (۱۳۵۰ق)، قاهره (۱۳۵۳ق)، قاهره (۱۳۵۴ق)، قاهره (۱۳۵۷ق) و قاهره (۱۳۶۱ق).

71. See: *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, pp.96-112.

72. See: *Ibid*, pp.168-170.

۷۳. *الاخوان المسلمون و الجماعات الاسلامیة فی الحیاة السیاسیة المصریة*، ص ۱۲۶.

۷۴. *أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین*، ج ۴، صص ۳۷ و ۳۸.

۷۵. همان، ص ۳۹.

76. See: *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, pp.173-177.

۷۷. *أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین*، ج ۴، صص ۴۸-۵۸.

۷۸. *الاخوان المسلمون و الجماعات الاسلامیة فی الحیاة السیاسیة المصریة*، ص ۱۲۷.

۷۹. همان، ص ۱۲۹.

80. See: *The Society of the Muslim Brothers in Egypt*, p.180.

۸۱. قاهره، اسکندریه، بحیره، منوفیه، غربیه، شرقیه، دقهلیه، قلیوبیه، کانال، فیوم، جیزه، منیا، بنی سوئیف، جرجا، اسیوط،

أسوان و قنا.

۸۲. *أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین*، ج ۴، ص ۳۲۹. براساس آماري که اخوان در سال ۱۹۴۰م در مجله‌التعارف منتشر نمود، از سودان به عنوان منطقه هجدهم و از جهان اسلام و خارج به عنوان مناطق نوزدهم و بیستم نام برده است (نک: همان، ج ۴، ص ۳۷۸).

۸۳. قاهره، اسکندریه، بحیره، غربیه، منوفیه، قویسننا، قهلیه، شرقیه، قلیوبیه، کانال، سوئز، فیوم، بنی سوئیف، فشن، مغاغه، بنی مزار، منیا، منفلوط، اسیوط، سوهاج، بلینا، فرشوط، قنا، أقصر، إسننا، أدفو، أسوان و عنیبه.

۸۴. *أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین*، ج ۵، صص ۲۶۱-۲۶۴.

۸۵. همان، ج ۴، ص ۳۲۱.

۸۶. همان، ج ۴، صص ۳۲۹-۳۳۱.

۸۷. *اخوان المسلمین: تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت‌های*

*جنبش اخوان المسلمین در یک قرن اخیر*، صص ۲۲۷ و ۲۲۸.

۸۸. «نظریه دولت در اندیشه سیاسی حسن البنا»، ص ۹۹.

## کتابنامه

۵. حسن، ادیس سالم، «الدين ایدیولوجیا»، *الدين فی المجتمع العربی*، (مجموعه مقالات)، مرکز دراسات الوحدة العربیة و الجمعیة العربیة لعلم الاجتماع، بیروت، مرکز دراسات الوحدة العربیة، چاپ اول، ۱۹۹۰م.

۶. حسینی، اسحق موسی، *اخوان المسلمین، بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.

۷. خدوری، مجید، *گرایش‌های سیاسی در جهان عرب*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ سوم، ۱۳۷۴ش.

۱. آقایی، بهمن؛ و صفوی، خسرو، *اخوان المسلمین: تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت‌های جنبش اخوان المسلمین در یک قرن اخیر*، تهران، شرکت انتشاراتی رسام، ۱۳۶۵ش.

۲. بنا، حسن، *خاطرات زندگی حسن البنا*، ترجمه ایرج کرمانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ش.

۳. همو، *مذکرات الدعوة و الداعیة*، اسکندریه، دارالدعوة للطبع و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۴. بیومی، زکریا سلیمان، *الاخوان المسلمون و الجماعات الاسلامیة فی الحیاة السیاسیة المصریة*، قاهره، مکتبه وهبه، چاپ اول، ۱۳۹۹ق.



21. Hiro, Dilip, *Dictionary of the middle east*, Britain: Macmillan Press LTD, first buplished, 1996.
22. Kepel, Gills, *Allah in the West: Islamic movements in America and Europe*, translated by Susan Milner, Britaina – Cambridg: Polity Press in association with Blackwell Publisher, first Publish, 1997.
23. Khoury, Philip S., "Muslim Brotherhood in Syria", in Johnl. Esposito, *the Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, Vol.3, Oxford University Press, 1995.
24. Lia, Briynjar, *The Society of the Muslim Brothers in Egypt* (The ris of an Islamic mass Movement 192 –1942), Foreward by Jamal al – banna; Ithaca Press, Garent Publishing Limited, Printed in Lebanon, 1998.
25. Mitchell, Richard P., *The Society of the Muslim Brothers*, London: Oxford University Press, 1969.
26. Weismann, Itzak, "The Politics of popular religion: Sufis, Solafis, and Muslim Brothers in 20th – Century Hamah", USA: International Journal of Middle East Studies, Vol.37, 2005.
27. Warburg, Gabriel R., "Muslim Brotherhood in Sudan", in Johnl. Esposito (ed), *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic world*, Oxford University Press, 1995.
۸. دکمچیان، هرایر، جنبشهای اسلامی معاصر در جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران، انتشارات کیهان، چاپ سوم، ۱۳۷۷ش.
۹. عبدالعزیز، جمعه امین، أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین، الكتاب الاول: ظروف النشأة و شخصية الامام المؤسس، قاهره، دارالتوزيع و النشر الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۱۰. همسو، أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین، الكتاب الثاني: بدايات التأسيس و التعريف البناء الداخلي، قاهره، چاپ اول، دارالتوزيع و النشر الإسلامیه، ۱۴۲۳ق.
۱۱. همسو، أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین، الكتاب الرابع: مرحلة التكوين البناء الداخلي، قاهره، دارالتوزيع و النشر الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۵ق.
۱۲. همو، أوراق من تاریخ الاخوان المسلمین، الكتاب الخامس: مرحلة التكوين استكمال البناء الداخلي، قاهره، دارالتوزيع و النشر الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۲۶ق.
۱۳. عقیل، عبدالله (مستشار)، من اعلام الدعوة و الحركة الاسلامیه المعاصرة، تقديم: مصطفى مشهور، محمد مهدي عاكف، بدر محمد بدر، قاهره، دارالتوزيع و النشر الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۴۲۶ق.
۱۴. غنوشی، راشد، حرکت امام خمینی و تجدید حیات اسلام، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ دوم، ۱۳۷۷ش.
۱۵. کسرابی، شاکر، «نگاهی به جنبش اسلامی سودان» روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۴۳۵۸، ۱۳۷۳ش.
۱۶. مرادی، مجید، «نظریه دولت در اندیشه سیاسی حسن البنا»، نشریه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره نوزدهم، ۱۳۸۱ش.
۱۷. منصور، حمزه، «مصاحبه یکی از اعضای اخوان المسلمین اردن»، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۹۸۶۲، ۱۳۷۱ش.
۱۸. نقوی، علی محمد، شکوفایی انقلاب اسلامی در مصر، تهران، انتشارات نور، ۱۳۶۱ش.
19. Boulby, Marion, *The Muslim Brotherhood and the Kings of Jordan 1945-1993*, USA: south Florida-Rochester- saint louis studies on religion and the social order, v.18, 1999.
20. Edwards, Beverly Milton, "Muslim Brotherhood in Jordan", *The Oxford Encyclopedia of the Modern Islamic World*, Oxford University Press, 1995.